

ناگفته‌هایی از زندگی امام خامنه‌ای در بیان آیت‌الله یزدی ^{رحمة‌الله‌علیه}

بارها از آقا شنیده‌ام که گفتند:

من هیچ‌گاه طلبگی

و مباحث علمی را رها نکردهام

آیت‌الله محمد یزدی، رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، به اذعان اکثر قریب به اتفاق سیاست‌یون برجسته کشور و علمای تراز اول حوزه علمیه، از جمله کسانی است که از دیرباز با مقام معظم رهبری همراه بوده است؛ او می‌گوید: «من از روزی که آیت‌الله خامنه‌ای، امام جماعت یکی از مساجد شهر مشهد بود تا الآن که ولی‌امر مسلمین می‌باشد، آشنا هستم و اولین کسی بودم که به‌صورت رسمی و از رسانه‌های عمومی، مرجعیت مقام معظم رهبری را اعلام کردم؛ البته این کار من در ابتدای امر، واکنش‌های بسیار زیاد و متفاوتی را در سطح جامعه علمی و سیاسی آن روز برانگیخت؛ اما کسانی که آن روز از من خرده می‌گرفتند و ناراحت بودند که چرا مرجعیت رهبر معظم انقلاب را اعلام کرده‌ام، امروز از علاقه‌مندان و ارادتمندان ایشان هستند؛» او حتی از واکنش شخص مقام معظم رهبری هم پس از این کارش نیز سخن می‌گوید. در آستانه سفر مقام علمای ولایت به شهر مقدس قم بر آن شدیم تا در گفت‌وگویی اختصاصی با آیت‌الله یزدی ^{رحمة‌الله‌علیه} دبیر شورای‌عالی حوزه‌های علمیه، ابعاد شخصیتی و علمی رهبری معظم انقلاب، تدابیر معظم‌له در اداره نظام اسلامی و ... را مورد واکاوی قرار دهیم. آنچه در پی می‌آید، حاصل این گفت‌وگوست.



• **شناخت شما از آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، به چه زمانی برمی‌گردد؟**

• ایشان برای گذراندن دوره تحصیلی در برهه‌ای از زمان در قم حضور داشتند و در درس امام راحل ^{رحمة‌الله‌علیه} شرکت می‌کردند؛ البته من هم در همان درس امام راحل شرکت می‌کردم؛ اما در آن زمان با ایشان خیلی آشنا نبودم؛ چون در درس‌های خارج فقه، رسم حوزه‌های علمیه بر این است که هر سه یا چهار نفر با هم، هم‌مباحثه و با یکدیگر مانوس هستند، تا به درجاتی برسند و گروه ما با گروه ایشان تفاوت داشت؛ آشنایی بنده با ایشان به قبل از انقلاب، برمی‌گردد. من برای زیارت، به مشهد مقدس مشرف شده بودم؛ برای اولین‌بار در مسجدی که جلسات وعظ و خطابه داشتند و در حال بیان یک خطبه تاریخی برای اهداف انقلاب بودند؛ متوجه شدم که جلسه، جلسه ویژه‌ای بود و طبعاً تناسبات و علایق روحی ما ایجاد می‌کرد که به ایشان نزدیک شویم؛ ایشان در آن زمان از شخصیت‌های علمی و انقلابی مشهد بودند و در جریان‌ات کشور نیز نقش داشتند؛ بنابراین جواب این سؤال که از چه زمانی با ایشان آشنا شدم، این است که من با ایشان از روزی که امام جماعت یکی از مساجد شهر مشهد بود تا الآن که به‌عنوان رهبر، نظام اسلامی را اداره می‌کنند، آشنا هستم و این نعمت خدا برای من است و امیدوارم همین نعمت تا آخر زندگی با من باشد.

• **آیا بعد از آن سفرانی ایشان در مشهد که سرآغاز آشنایی‌تان بود، مشکلی از سوی رژیم شاه، برای آقا، به وجود نیامد؟**

• در دوره‌ای، بسیاری از افراد به نقاط مختلف تبعید شدند که مقام معظم رهبری هم، به ایرانشهر تبعید شدند؛ با وجود آنکه در ایرانشهر شیعه و سنی وجود داشت؛ اما ایشان، با کلام شیوای خود، نفوذی ایجاد کرده بودند که برکات آن به‌وضوح دیده می‌شد.

• **روابط شما در دوران پس از انقلاب با مقام معظم رهبری، چگونه ادامه پیدا کرد؟**

• در دوره‌هایی مانند اوایل انقلاب، معمولاً نام افرادی که در جریان انقلاب قرار داشتند، برده می‌شد؛ ما هم سعی می‌کردیم، با مقام معظم رهبری آشناتر و به ایشان نزدیکتر شویم، تا بتوانیم علاوه بر استفاده از شخصیت معظم‌له، به‌نوبه خود با ایشان، همراهی داشته باشیم. در دوره ریاست جمهوری آقا، من به‌تدریج با فضائل اخلاقی، شخصیتی و علمی ایشان بیشتر آشنا شدم؛ گاهی دفترشان رفت و آمد داشتیم تا اینکه جریان بازنگری قانون اساسی پیش آمد؛ حضرت امام ^{رحمة‌الله‌علیه} دستور بازنگری قانون اساسی را صادر کردند و نام من هم در نوشته حضرت امام ^{رحمة‌الله‌علیه} آمده بود که باید در این بازنگری باشیم؛ ریاست آن هم با رئیس‌جمهور وقت یعنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود و جناب آقای هاشمی هم، نائب‌رئیس بودند؛ در اولین جلسه، من به‌همراه آقای دکتر حبیبی، به‌عنوان منشی انتخاب شدیم؛ اولین کاری که باید انجام می‌شد، تهیه آیین‌نامه بود. من و آقای حبیبی آن را تهیه کردیم؛ کم‌کم دوران کسالت حضرت امام ^{رحمة‌الله‌علیه} پیش آمد و به‌همین دلیل رفت و آمدهای مقام معظم رهبری و آقای هاشمی به بیت امام ^{رحمة‌الله‌علیه}، بیشتر شد و از همین رو بود که ریاست جلسه را به من می‌سپردند؛ برای اداره این جلسات، لازم بود که بیشتر از قبل با دفتر ایشان ارتباط داشته باشیم؛ در همین رفت و آمدها بود که با روحیات، خلوص رفتاری و شخصیت والای علمی ایشان بیشتر از قبل آشنا شدم و این را دریافتم که در روحیه ایشان هوی و هوس نیست.

• **آیا ایشان در طول دوران ریاست جمهوری خود،**

بحث‌های طلبگی هم داشتند؟

بله با اینکه ایشان رئیس‌جمهور بودند و مسئولیت‌شان سنگین بود، در یک مقطع زمانی به بنده گفتند که من همیشه یک بحث طلبگی و آخوندی داشتم و الآن هم می‌خواهم که چنین جلسه‌ای داشته باشیم؛ از من پرسیدند: چه کسانی برای برگزاری چنین جلسات فقهی و علمی مناسب‌تر هستند؟ افرادی را برای برپایی این جلسات طلبگی انتخاب کردیم؛ مکرراً از همان ابتدا، از ایشان شنیده‌ام که گفته‌اند: «من هیچ‌گاه طلبگی و کار علمی را رها نکردم»؛ جالب است بدانید این جلسات علمی از آن زمان تاکنون، همچنان ادامه دارد.

• **قدرت علمی مقام معظم رهبری را با وجود شرکت در این جلسات علمی که تاکنون نیز ادامه دارد، چگونه تبیین می‌کنید؟**

• در جریان همین جلسات بود که بیشتر با توان علمی ایشان آشنا شدم؛ در مسائلی که بحث و استدلالات و اثبات و نفی‌هایی می‌شد، واقعاً تبحر داشتند؛ شنیده‌اید برای مجتهدین، علوم مختلفی از جمله ادبیات، رجال، درایه، تفسیر، حدیث و ... لازم است؛ زیرا اینها، علوم‌ی هستند که باید در مقدمات اجتهاد باشد؛ از جمله مهمترین علوم، علم رجال است. معمولاً در علم رجال کمتر کسی حالت تخصصی وجود دارد؛ مگر بعضی از شخصیت‌هایی که کتاب‌هایی در این زمینه نوشته‌اند؛ من در جریان همین جلسات علمی بود که متوجه شدم، آقا، در این رشته یعنی علم رجال، در ردیف متخصصان قرار گرفته‌اند؛ چون نام یک رجالی که در سلسله حدیث پیش می‌آمد، می‌دیدیم که خصوصیات آن شخصیت را با تمام جزئیات ذکر می‌کردند؛ اصلاً ایشان، یک دوره پژوهش و تحقیق کامل در مورد زمان ائمه و ۱۴ معصوم ^{علیهم‌السلام}، یعنی یک شرح کامل از پیامبر ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} تا امام زمان ^{عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌و} داشتند؛ چراکه در این دوره بود که شرح حالات ائمه ^{علیهم‌السلام} را نیز بررسی می‌کردند؛ به رجال، حدیث و روایت، مخصوصاً در زمان صادقین ^{علیهم‌السلام} هم آشنایی کاملی پیدا کردند و این امتیاز، در حقیقت در ایشان دیده می‌شد.

*می‌توان گفت، برگزاری همین جلسات مقدمه‌ای برای روشن‌ترشدن بعد علمی مقام معظم رهبری بود؟

طبعاً علانم مسأله اجتهادی و علمی و مرجعیت که متکی به مبانی تعیین شده است، برای مقام معظم رهبری در همین جلسات، برابم روشن‌تر شد؛ علت اینکه پس از رحلت امام خمینی ^{رحمة‌الله‌علیه} و رحلت بعضی از مراجع مطرح در قم، بنده مرجعیت[مقام معظم رهبری] را اعلام کردم، این نکته بود که بنده در طول این فاصله زمانی و جلساتی که از زمان ریاست جمهوری ایشان برگزار شد، به پایه علمی و قدرت استنباط و اجتهاد و در حقیقت بنیه اجتهادی و استدلالی ایشان و همچنین تسلط بر علوم مختلفی که باعث اجتهاد است، پی بردم و دیدم، در ردیف متخصصان قرار گرفته‌اند؛ به‌همین دلیل وظیفه شرعی خودم دیدم که مرجعیت ایشان را اعلام کنم. فکر می‌کنم اولین کسی که مرجعیت مقام معظم رهبری را در رسانه‌های عمومی اعلام کرد، من بودم که این مهم را در خطبه‌های نماز جمعه تهران اعلام کردم.

*واکنش‌ها، پس از اعلام مرجعیت چگونه بود؟ بنده این کار را در شرایطی که بسیاری از هم‌دوره‌ای‌ها و دوستان من مخالف آن بودند، صورت دادم؛ برخی همکاران و دوستان به من

ایراد گرفتند و حتی با من دعوا کردند؛ جالب است بدانید، کسانی که امروزه به موقعیت علمی و مرجعیت آقا سخت علاقه‌مند هستند، در آن روز به بنده ایراد می‌گرفتند که چرا مرجعیت مقام معظم رهبری را اعلام کردم.

• **واکنش شخص مقام معظم رهبری نسبت به اعلام مرجعیت‌شان چه بود؟**

• ایشان به من گفتند: چون شما به من وابستگی دارید، از این به بعد صحیح نمی‌دانم، ترویج مرا به عهده بگیرید و در مجامع عمومی از من تعریف کنید و در یک کلام به بنده گفتند: من راضی نیستم؛ این نشان از تواضع بسیار بالای معظم‌له است؛ جالب است بدانید که ایشان درس خارجی را شروع کرده بودند و من تصمیم گرفتم که در آن کلاس شرکت کنم؛ در دو یا سومین جلسه بود که به من گفتند: شما چرا می‌آیید؟ گفتم؛ بالأخره درس است و من هم علاقه‌مندم شرکت کنم؛ ایشان گفتند: من راضی نیستم، شما نباید بیایید. مرا نهی کردند؛ فلسفه این کار، بعدها برای من روشن شد؛ آدم می‌بیند که بعضی‌ها دنبال این هستند که شاگردان شناخته‌شده و رساله‌ای داشته باشند؛ اما مقام معظم رهبری خطاب به من فرمودند که راضی نیستم در کلاس درس من باشی و من را ترویج کنی؛ مجموع این عوامل، نشان از عمق خلوص و صفا و تواضع شان دارد. این هم از جمله شرایط مرجعیت است؛ این امر مصداق بارز ترک هوی و هوس و دوری از ریاست و مقام است که ایشان به‌معنای کامل کلمه، آن را به مرحله اجرا درآوردند.

• **بعد علمی و دانش فقهی مقام معظم رهبری و همچنین مرجعیت ایشان را بیشتر تشریح کنید؟**

• رتبه علمی یک مسأله است و مرجعیت رسمی، مسأله دیگر؛ کم نیستند شخصیت‌هایی که دارای مقامات برجسته علمی هستند. این‌طور نیست که هرکس ملا شد، بتواند مرجع باشد و یا هرکس مرجع هست، درجات علمی فوق‌العاده بالایی داشته باشد؛ این‌ها در حقیقت دو فصل حساب می‌شوند. در باره شخصیت علمی آیت‌الله خامنه‌ای، همان‌طور که خود ایشان گفته‌اند، هیچ‌گاه طلبگی و در راه علم‌بودن را کنار نگذاشتند؛ حتی در سمت رهبری که مسئولیت سنگینی است، کار علمی ایشان مداوم بوده و اوقاتی را به مطالعه اختصاص داده‌اند؛ این یکی از خصوصیات ایشان است. ممکن است گاهی، فردی که به‌عنوان شخصیت علمی شناخته می‌شود و واقعاً هم عالم است، وقتی وارد یک کار سیاسی و اجتماعی می‌شود، آهسته آهسته از نظر علمی ضعیف شود و بنیه علمی و حتی مبانی و اصول را فراموش کند؛ اما مقام معظم رهبری، برعکس این دسته از افراد، با وجود قرارگرفتن در سمت بسیار مهم رهبری، از نظر علمی، روزبه‌روز قوی‌تر شده‌اند و این یک امتیاز برای معظم‌له است؛ چراکه هم در زمانی که پست مهم ریاست جمهوری و هم زمانی که به سمت رهبری رسیدند، اشتغال تحصیلی‌شان را فراموش نکرده و کنار نگذاشته‌اند.

• **با وجود مشغله‌های بسیار فراوان معظم‌له در اداره نظام اسلامی، چگونه کار علمی مداوم خود را دنبال می‌کنند؟**

• بعضی خیال می‌کنند که ایشان چون مشغله رهبری دارند، فرصت پرداختن به مباحث علمی را ندارند؛ درصورتی که شخصیت‌هایی هستند که در عین اشتغال به مسائل سیاسی، به‌دلیل آوردن همان مسائل در کارهای علمی، بنیه علمی‌شان قوی‌تر می‌شود. برای نمونه مسأله‌ای در مورد «دیه» در دورانی که ریاست قوه قضائیه به عهده بنده بود،

برابم پیش آمد که در رساله عملیه همه مراجع عنوان شده بود؛ اما تا رسیدیم به بحث آنعام ثلاثه، مقام معظم رهبری به بنده گفتند: این بحث را بیاور در همان جلسات هفتگی. ایشان در پاسخ به سؤالی که داشتم، گفتند: من تمام روایات در این زمینه را بررسی کردم و به یک نکته هم رسیده‌ام؛ وقتی آن را به من اعلام کردند، گفتم: فتاوی شما هم همین است. فرمودند: بله همین است؛ با این نظر شرعی بسیاری از کارهای قضایی ماتسهیل پیدا کرد؛ حتی ایشان در مورد همین فتوا که به مشکلی برای ما در قوه قضائیه تبدیل شده بود، به قم آمدند و با بسیاری از مراجع، از جمله آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی ^{رحمة‌الله‌علیه} دیدار کردند و مشکل این مسأله را حل کردند. از این قبیل مسائل در فروعات مختلفی که پیش آمده، به ما نشان می‌دهد که پایه علمی مقام معظم رهبری، بسیار بالا و در درجه ممتاز قرار دارند.

• **تدابیر مقام معظم رهبری در مدیریت حوادث را چگونه می‌بینید؟**

• در پاسخ به این سؤال باید ابتدا منظور از حوادث روشن شود؛ در متن قانون اساسی به‌عنوان یکی از شرایطی که فقیه باید داشته باشد تا خبرگان او را برای رهبری انتخاب کنند، همین مسأله قدرت مدیریت امت اسلامی است. آیت‌الله خامنه‌ای نشان داده‌اند، آن را داشته و عملیاتی کرده‌اند. مقصود از مدیریت امت اسلامی از نظر ما، مدیریت حوادث است که باز منظور از حوادث، مسائل جزئی فقهی نیست؛ بلکه منظور چیزهایی است که به کل امت و جامعه برمی‌گردد و باید مشکل جامعه را حل کند؛ امام زمان ^{عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌و}، خودشان در زمان غیبت، ارجاع داده‌اند که در حوادث به فقیه واجدالشرایط رجوع کنید. مقصود حوادثی است که تصمیم‌گیری در رابطه با آن، نفع یا ضررش به همه امت می‌رسد؛ خوشبختانه در طول ۲۰ سال رهبری آقا، با وجود آنکه به‌اندازه ۱۰۰ سال حادثه برای کشور پیش آمد؛ اما مدیریت ایشان بعد از دوران امام راحل ^{رحمة‌الله‌علیه}، در حوادث بی‌نظیر است؛ یعنی کمتر کسی است که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها، همانند ایشان، هم سرعت و هم دقت داشته باشد و علاوه بر آن، اصول را در تصمیم‌گیری رعایت کند.

• **حوادث دوران امام ^{رحمة‌الله‌علیه} و مقام معظم رهبری، چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟ همچنین اشاره‌ای به شاخصه‌ها تصمیم‌گیری ایشان بفرمایید؟**

• در زمان امام ^{رحمة‌الله‌علیه}، حوادث مهمی وجود داشت. شاید سخت‌ترین حادثه برای ایشان، جنگ تحمیلی بود که مسئولیت سنگین آن را به عهده بزرگوارانی، در درجه اول آیت‌الله خامنه‌ای و بعد جناب آقای هاشمی گذاشتند و غیر از جنگ، حوادث دیگری مانند جریان بنی‌صدر و ... به وجود آمد که باز شاهد مدیریت اصولی و صحیح امام راحل ^{رحمة‌الله‌علیه} بودیم؛ اما حوادث زمان آیت‌الله خامنه‌ای مثل محاصره اقتصادی، فتنه اخیر، احیاناً بروز اختلافات در بین جمع‌های حساس کشور، مانند قوای سه‌گانه رخ می‌دهد. ایشان وظیفه داشته و دارند که طبق قانون اساسی این مشکلات را رفع کنند. در کل وقتی به حوادث دوران رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نگاه می‌کنیم، می‌بینیم تصمیم‌گیری معظم‌له در حل این مشکلات، بسیار بجا بوده؛ مثلاً عده‌ای در رابطه با آمریکا با رهبری گفت‌وگو می‌کردند؛ اما ایشان می‌گفتند: من هنوز نسبت به این‌ها بی‌اعتمادم. نمونه اخیرش اوپاما است که با شعار تغییر آمد. خیلی‌ها امیدوار بودند که رابطه با آمریکا برقرار شود؛ اما رهبر معظم انقلاب می‌فرمودند: باید صبر کنیم تا ببینیم چه می‌کنند؛ ایشان در رابطه با

شعار تغییر اوپاما، تعبیر بسیار زیبایی را به‌کار بردند و گفتند: «اگرچه این‌ها یک دستکش مخملی در دست دارند، اما زیر این دستکش مخملی، مشت آهنی دارند.» این تعبیر بسیار زیبا و فنی است؛ یعنی بعضی‌ها در گفت‌وگوی سیاسی با نرم‌ترین کلمات حرف می‌زنند؛ اما هدف‌شان چیز دیگری است. این نکته مهمی است که رهبری باید این قدرت را داشته باشد که در عمق کلمات نرم دشمنان پی ببرد و فریب نخورد. مقام معظم رهبری در این فراز و نشیب‌ها مانند تحریم‌های اقتصادی، فتنه اخیر و از همه این‌ها مهمتر مسأله انرژی هسته‌ای و یا در مسائلی از قبیل ایجاد اعتماد به نفس در جامعه و بین مسئولین نظام که امام راحل آن را دنبال می‌نمودند، بیش از هرکس دیگری دنبال کردند و آن را در در جامعه ایجاد نمودند.

• **تدبیر رهبر معظم انقلاب در مسأله انرژی هسته‌ای چگونه بود؟**

• مسأله بسیار مهم انرژی هسته‌ای و موفقیت‌های کسب‌شده پیرامون آن، مستقیماً زیر نظر رهبری معظم انقلاب است؛ ایشان بارها خطاب به مسئولان گفته‌اند که می‌توانید خودتان کشور را اداره کنید. رشد کشور بستگی به رشد علم دارد و ...؛ به‌خصوص در جریان انرژی هسته‌ای، ما به سمت سقوط و انقطاع می‌رفتم؛ اما ایشان در دوره اول ۴ ساله آقای احمدی نژاد، فلسفه را برگرداندند؛ بقیه خیال می‌کنند که دولت این کار را کرد؛ ولی من اینجا صریحاً به شما می‌گویم، اصلاً مسأله انرژی هسته‌ای، فقط زیر نظر شخص رهبری بوده است؛ یعنی شخص رهبری تصمیمات اصلی را می‌گرفتند.

• **مدیریت مقام معظم رهبری در صحنه‌های سیاسی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

• تدبیر ایشان در مسائل داخلی و مخصوصاً جریان فتنه که تقریباً همه مردم در جریان آن هستند، تدبیری جامع، گویا و کامل بود که در مقاطع مختلف، کشور و ملت را نجات داده است؛ به‌طور مثال در جلسه‌ای در خصوص فتنه اخیر، من خیلی ناراحت بودم و می‌خواستم گریه کنم؛ اما آقا به من امیدواری دادند که ناراحت نباش. این مسأله هم می‌گذرد؛ یک شخصی همانند رهبر معظم انقلاب که درداین سطح، مسئولیت امت اسلامی را دارد، من خیال می‌کنم، امام عصر ^{عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌و} ایشان را کمک می‌کنند؛ البته من نمی‌گویم امام زمان ^{عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌و} به ایشان پیغام می‌دهند و یا ایشان به محضر امام ^{عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌و} می‌رسند؛ بلکه نمی‌گویم می‌شود، امام زمان ^{عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌و} ایشان را تنها بگذارند. چرا؟ چون در برخی قضایا، کل امت و جامعه اسلامی در معرض خطر قرار می‌گیرد و مقام معظم رهبری هم مسئولیت حفاظت از این امت را دارد و اگر امام عصر ^{عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌و} ایشان را تنها بگذارد و در تصمیم‌گیری اشتباه کند، جامعه اسلامی آسیب می‌بینند؛ بنابراین، عنایت خاص امام زمان ^{عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌و} را من پشت سر همه تدبیرهای مقام معظم رهبری می‌بینم؛ به‌همین دلیل هم، گاهی ایشان به قم می‌آیند و برمی‌گردند، بدون اینکه کسی متوجه شود؛ به‌همین دلیل معتقدم ایشان عالی‌ترین تدبیر را در حوادث دارند. بعد از امام راحل، یکی از ذخایر پرقیمتی که خداوند برای این امت و برای شرایط این زمان ذخیره کرده است، آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(حفظه‌الله) است که ما وقتی محاسبه می‌کنیم، اگر قرار بود که در شرایط حساسی مانند امروز کس دیگری غیر از ایشان، در مقام رهبری باشد، معلوم نبود چه بر سر کشور می‌آمد.